



میان بُرتمدن های کهن برای جذب جهانی گردشگر

گفت و گوی اختصاصی خراسان باد کتر سعد خان، رئیس موسسه بین المللی فرهنگی «اکو» درباره اقدامات این موسسه برای گسترش زبان فرهنگ و هنر کشورهای عضو از جمله ایران، صدور رواید یکپار چه هنرمندان، اقدامات برای جهانی سازی آثار هنری و....



محمد بهمودی نیا

calture@khorasannews.com

بر کسی پوشیده نیست که هر کشوری برای پاسداشت و ترویج زبان، خطوط و هنر خود نیازمند فعالیت های برون مرزی است. این فعالیت ها نه تنها توانایی کشور ها را در به اشتراک گذاری فرهنگ خود با دیگران افزایش می دهد، بلکه به آن ها کمک می کند تا در جهان فرهنگی امروز، بیشتر شناخته شوند و از این طریق به توسعه فرهنگ خود بپردازند. کشورمان نیز مانند تمام کشورهای دیگر از این قاعده مستثنای نیست.

تا امروز فعالیت های زیادی داشته است. این موسسه با هدف ترویج و پرورش فرهنگ کشورهای عضو در سطح بین المللی، به انجام اقداماتی مانند برگزاری نمایشگاه های فرهنگی، برنامه های تبادل هنری و آموزشی و همچنین ارتباطات و همکاری با نهادهای مشابه در سایر کشور ها می رازد.

اگر چه تعداد زیادی از ما تا امروز نام موسسه اقتصادی اکورا زیاد شنیده ایم و تا حدودی با فعالیت های مؤثر آن در عرصه بین المللی آشنایی داریم اما باید گفت این موسسه در بخش فرهنگی نیز فعالیت های چشمگیری دارد.

سازمان همکاری های اقتصادی (ECO)، یک سازمان منطقه ای است که در سال ۱۹۸۵ توسط دولت های ایران، پاکستان و ترکیه به منظور توسعه همکاری های اقتصادی، فنی و فرهنگی میان کشورهای عضو تأسیس شد. در سال ۱۹۹۲ سازمان اکو گسترش یافت و هفت عضو جدید از جمله افغانستان، جمهوری آذربایجان، جمهوری قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان و جمهوری ازبکستان به آن اضافه شدند.

پس از تبدیل شدن سازمان RCD به سازمان ECO و افزایش تعداد کشورهای عضو به ده کشور، این سازمان به عنوان یک سازمان منطقه ای نقش ویژه ای پیدا کرد، به این پیش زمینه، نیاز به احیای بخش فرهنگی نیز احساس شد. پس از موافقت رسمی با تأسیس موسسه فرهنگی با عنوان نام فعلی خود سرانجام با امضای اساننامه آن در سومین اجلاس سالانه اکو که در ۱۵ - ۱۴ مارچ ۱۹۹۵ در اسلام آباد پاکستان برگزار شد تشکیل موسسه فرهنگی اکو با رویکرد «تحکیم قرابت های فرهنگی، پیوندهای معنوی و روابط دوستانه میان ملت های کشورهای عضو از طریق روش های اجتماعی و فرهنگی به صورت تئوری و عملی محقق شد.

برای آشنایی بیشتر با فعالیت های فرهنگی این موسسه و نقش آن در پیشبرد اهداف فرهنگی کشورمان به عنوان یکی از اعضای این موسسه بین المللی با دکتر سعد خان، رئیس موسسه فرهنگی اکو گفت و گو کرده ایم که شرح آن را در ادامه می خوانید.

■ لطفاً درباره اقدامات و موضع اکو در حفظ و پاسداشت زبان فارسی و تقویت وحدت میان کشورهای فارسی زبان توضیح دهید؟
زبان، دِل ارتباطی میان انسان هاست. یکی از اهداف موسسه

فرهنگی اکو که از این پس به عنوان اکو اشاره می کنم، ترویج زبان های عمده منطقه در کشورهای یکدیگر است. برای مثال، زبان فارسی ایران، دری افغانستان و تاجیکی در تاجیکستان، همگی با تفاوت های جزئی در لهجه و تلفظ از یک ریشه زبانی هستند. زبان ترکی نیز یکی از زبان های مهم منطقه است که زبان رسمی ترکیه است، اما زبان های دیگر مانند ازبکی، آذری و قزاقی نیز به این خانواده زبانی تعلق دارند؛ در نهایت، زبان اردو زبان ملی پاکستان است، با نزدیک به ۶۰۰ میلیون گویشور در سراسر جهان که آن را می فهمند، بزرگ ترین زبان مسلمانان است. اکو تلاش می کند تا همه این زبان ها را در کشورهای یکدیگر ترویج کند.

هدف ما در اکو تنها وحدت کشورهای فارسی زبان مسلمان نیست، بلکه وحدت همه ۱۰ کشور عضو اکو است که شامل کشورهای فارسی زبان، اردو زبان و ترکی زبان می شود. ما تلاش می کنیم تا این زبان ها را در کشورهای یکدیگر از طریق تشویق تحصیلات دانشگاهی در این زبان های شرقی، انتشار کتاب های ادبی، برگزاری سمینار ها، وبینار ها و رونمایی کتاب و در نهایت، از طریق ترجمه ادبیات از یک زبان منطقه ای به زبان دیگر ترویج کنیم.

■ بر نامه های اکو برای حمایت از هنرمندان در زمینه های فرهنگ، زبان و ادبیات و هنر چیست؟
سازمان اکو متعهد به ترویج آثار هنرمندان و حمایت از چهره های ادبی از همه ۱۰ کشور منطقه است. ما نمایشگاه های زیادی از نقاشی ها، عکاسی ها، خوشنویسی ها و سایر اشکال هنری ایجاد شده توسط هنرمندان منطقه، در سراسر جهان می کنیم. ما همچنین متعهد به ترویج سنت های ادبی هستیم و رویدادهای شعر خوانی، سمینار ها و جشنواره ها

برای بزرگداشت زندگی و آثار چهره های ادبی و سنت های زبانی برگزار می کنیم. ما اعتقاد داریم که فرهنگ و هنر، ظرفیت این را دارد که مردم همه ۱۰ کشور عضو اکو را با هم متحد کند. موفقیت اهداف والای سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در زمینه ترویج تجارت، اتصالات جاده ای، مشارکت های اقتصادی و غیره، وابسته به برقراری ارتباطات مردم با مردم است. هنرمندان، خوانندگان، نویسندگان، شاعران، بازیگران و ... به عنوان سفیران فرهنگی منطقه، می توانند نقش های کلیدی در این زمینه ایفا کنند. از این رو، اکو علاقه زیادی به برگزاری جشنواره های فرهنگی، نمایشگاه ها، اجراهای موسیقی و ... دارد.

■ بر نامه های اکو برای معرفی آثار نویسندگان و شاعران از کشورهای عضو به جامعه جهانی چیست؟
من فکر می کنم سه راه برای معرفی آثار نویسندگان از کشورهای عضو به جامعه جهانی وجود دارد که این راهها شامل انتشار، ترجمه و ترویج کتاب از طریق رونمایی و سایر فعالیت های مرتبط است. ما در همه این سه زمینه فعالیت هایی را در دستور کار داریم. اکو فهرست قابل توجهی از انتشارات خود دارد که شامل ۶۰ عنوان است.

■ دلیل این که ظرفیت های فرهنگی و معنوی اکو که به طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته اند چیست؟
من فکر می کنم منطقه اکو یک منطقه با برکت است. این منطقه خانه تمدن های کهن و غنی است که جهان به خود دیده است. مردم ما جزو مهمان نوازترین مردم جهان هستند، مناظر و طبیعت ما شگفت انگیز است، لباس ما دارای ظرافت های هنری فراوان است، جشنواره ها و آیین های ما

کشور های عضو موسسه فرهنگی اکو (ECO)



مرکز فرهنگی «آسه آن» در بانکوک از طریق هوش مصنوعی و صفحه های دیجیتال، دقیقاً همین کار را انجام می دهد. این مرکز فرهنگ، لباس، سبک زندگی، مناظر شهری و سایر ویژگی های مهم همه ده کشور عضو آسه آن را از طریق صفحه های دیجیتال تعاملی نمایش می دهد. این همان نوع نمایشگاه مجازی است که اکومی خواهد برای کشورهای عضو در تهران ایجاد کند.

■ آیا زمان آن نرسیده است که یک سیستم ویزای شنگن مانند برای کشورهای اکو ایجاد شود؟
بله هدف نهایی ما باید ایجاد یک سیستم ویزای یکپارچه برای منطقه باشد؛ اما ما باید به تدریج برای افزایش دوام فرایندها حرکت کنیم. از این رو، ممکن است نیاز داشته باشیم که به تدریج وب احتیاط پیش برویم.

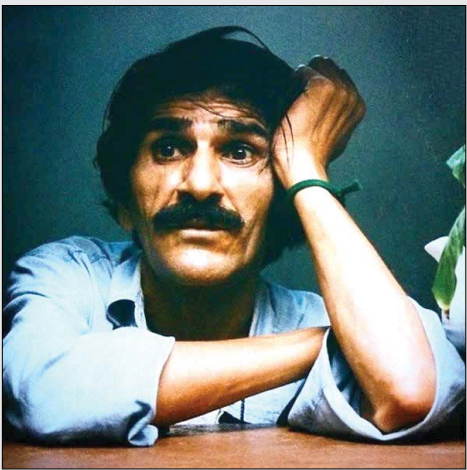
■ چرا موسسه فرهنگی اکو به اندازه سازمان هایی مانند یونسکو شناخته شده نیست؟
اکو در واقع یونسکو منطقه اکو است. این بزرگ ترین و قدیمی ترین آژانس تخصصی منطقه اکو است که برای همکاری فرهنگی ایجاد شده است. اگر چه اکو ممکن است نتوانسته باشد از ظرفیت کامل فرهنگی منطقه ای اش استفاده کند، اما با این حال در ترویج فرهنگ از طریق تلاش های کوچک، فعال بوده است. شکست اصلی ما این است که سیاست گذاری های قدرتمند الکترونیکی و رسانه های اجتماعی قوی نداشته ایم. تلاش هماهنگ برای اطمینان از افزایش اطلاع رسانی فعالیت های اکو وجود نداشته است. در غرب، این پدیده را "عامل CNN" می نامند، به این معنی که اگر چیزی توسط CNN پوشش داده نشود، گویی آن رخداد هرگز اتفاق نیفتاده است. در اکونیز ما باید همکاری نزدیک با خبرگزاری های ملی همه ۱۰ کشور عضو اکو داشته باشیم، مردم نمی دانند که چه اتفاقی در موسسه اکو در حال وقوع است.

■ در دوران ریاست شما، چه احوال ها و استراتژی هایی برای افزایش معرفی موسسه فرهنگی اکو در منطقه دارید؟
اکنون تمرکز اصلی ما بر افزایش مسیر های معرفی اکو از طریق چندین اقدام در دوران ریاست بنده است. یک وبسایت پویا جدید، حضور قوی در رسانه های اجتماعی برای ترویج فعالیت های فرهنگی و تولید مستند جدید در مراحل مختلف تولید هستند. ما همچنین تلاش می کنیم تا دفاتر میدانی اکو را در سراسر منطقه اکو ایجاد کنیم. ما همچنین در حال برنامه ریزی فعالیت های اکو در سراسر منطقه اکو هستیم، نه فقط در شهر مفرکو. همچنین ما تلاش می کنیم تا با سایر نهادهای فرهنگی منطقه ای و بین المللی برای بهره برداری از هم افزایی در برگزاری فعالیت های فرهنگی همکاری کنیم.

■ وسخن پایانی
از روزنامه خراسان به خاطر توجه همیشگی اش به موضوعات مربوط به فرهنگ و هنر تشکر می کنم و امیدوارم با تلاش و برنامه ریزی های انجام شده بتوانیم به زودی به اهداف تعیین شده در اکو دست یابیم.

شاعری به زلالی رود

مرور زندگی و آثار زنده یاد حسین پناهی، شاعر و بازیگر مشهور در بیستمین سالروز در گذشتش



ستاره منوچهری - امروز ۱۴ مرداد، بیستمین سالروز درگذشت شاعر و بازیگری است که نان دلش را می خورد؛ شاعری که شعر هایش هم مثل دلش ساده و صمیمی بود و بازیگری که نقش هایش هم مثل خودش ساده و معمولی بود. حسین پناهی، ۴۷ سال بیشتر عمر نکرد، اما آثارش، چه در شعر و چه در عرصه نمایش برای همیشه در ذهن ها ماندگار شد. بیشتر ما او را بازی در سریال محبوب «آژانس دوستی» می شناسیم. «یحیی و گلایبوتن» و «دزدان و مادر بزرگ» هم از دیگر مجموعه های تلویزیونی پر مخاطبی بودند که زنده یاد حسین پناهی در آن ایفای نقش کرده بود. حسین پناهی اهل کهگیلویه و بویر احمد بود؛ دیار دشت و کوهستان و رود. اشارش هم به زلالی و سادگی زادگاهش بود. او اهل تصنع و تکلف نبود و برای همین هم اشارش به دل می نشیند.

■ از علاقه به شاعری تا نمایشنامه نویسی
آنا پناهی، دختر زنده یاد حسین پناهی و مدیر انتشارات «آنا پنا»، از علاقه فراوان پدرش به شعر و شاعری می گوید و این که او دوست داشته مردم او را شاعر بدانند تا بازیگر: «هر چند پدرم بازیگری را همسایه دیوار به دیوار شعر می دانست و شاعر نمی، جزو ذات او بود، ولی بسیاری از بازی های او نقش هایی بود که به ناچار ایفا می کرد و به همان نقش های معمولی هم رنگ شاعرانه می زد.»

زنده یاد حسین پناهی برای دوستان دران شعر و ادبیات، مجموعه اشعار متعددی به یادگار گذاشته است که از میان آن ها می توان از این کتاب ها یاد کرد: «به وقت گرینویچ»، «افلاطون کنار بخیاری»، «ستاره ها»، «نمی دانم ها»،



■ نمونه های اصلی شعر پناهی:
چه مهمانان بی در دسری هستند / مردگان / نه به دستی ظرفی را چرک می کنند / نه به حرفی دلی را آلوده / تنها به شمع شمع قانع اند / و اندکی سکوت (نمی دانم ها) و اما تو ای مادر! / ای مادر / هوا / همان چیزی است که به دور سرت می چرخد / و هنگامی که می خندی / صاف تر می شود (نمی دانم ها) نیمه در سایه، نیمه در آفتاب / کجا آسمان به پایان می رسد؟ / انگشت اشاره مارو به بالاست یقین / طلوع می کند انسان / با دفتر هزار برگش (سال هاست که مرده ام)

■ نمونه های جعلی:
پنجره را باز کن / و از این هوای مطبوع بارانی لذت ببر / خوشبختانه باران ارث پدری هیچ کس نیست اگر وقت نداری حالم را بپرسی، درکت می کنم / اگر وقت نداری با من صحبت کنی، درکت می کنم / اگر وقت نداری مرا ببینی، درکت می کنم / اما اگر بعد از تمام این ها دیگر دوست نداشتی / این بار نوبت توست که درکم کنی... از آجیل سفره عید چند پسته لال مانده است / آنان که لب گشودند خورده شدند / دندان ساز راست می گفت / پسته لال سکوتش دندان شکن است

■ بخشی از یک وصیت نامه جعلی:
قبر مرا نیم متر کمتر عمیق کنی تا پنجاه سانت به خدا نزدیک تر باشم. بعد از مرگم، انگشت های مرا به رایگان در اختیار اداره انگشت نگاری قرار دهید. به پزشک قانونی بگویید روح مرا کالبدشکافی کنند، من به آن مشکوکم! عبور هر گونه کابل برق، تلفن، لوله آب یا گاز از داخل گور این جانب اکیداً ممنوع است. بر قبر من پنجره بگذارید تا هنگام دلتنگی گورستان را تماشا کنم.

ادبیات جهان

آخرین بازمانده جنیش سور تالیسم در گذشت



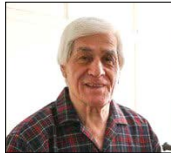
آنی لوبرون نویسنده، شاعر و منتقدی که در طول زندگی خود به کاوش در ژوئای تجربه بشری متعهد ماند، در ۸۱ سالگی در گذشت. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از لیبراسیون، در حالی که مکتب سور تالیسم ۱۰۰ ساله شده، آنی لوبرون یکی از آخرین نمایندگان این مکتب در گذشت. وی تا پایان عمر به سور تالیست طوفانی بود، متون تحقیقاتی درباره مارکی دوساد، هوگو و جهان فرهنگ منتشر کرد. او در جدیدترین کتابش با عنوان «نگاه و سرمایه» که سال ۲۰۲۱ منتشر شد، انبوه تصاویری را که توسط تلفن های همراه خلق می شود هدف حمله قرار داد و آن را «همه گیری دیجیتال» نامید.

انتشارات گالیامار روز پنج شنبه، یکم اوت خبر درگذشت این نویسنده را تأیید و از او به عنوان «متفکر عظیم زمان ما» و یکی از آخرین ناظرانی یاد کرد که از افسون زدگی جهان و گورکنان شعر می نوشت. آنی لوبرون که سال ۱۹۴۲ در رن متولد شد. اویک سور تالیست طوفانی بود، متون تحقیقاتی درباره مارکی دوساد، هوگو و جهان فرهنگ منتشر کرد. او در جدیدترین کتابش با عنوان «نگاه و سرمایه» که سال ۲۰۲۱ منتشر شد، انبوه تصاویری را که توسط تلفن های همراه خلق می شود هدف حمله قرار داد و آن را «همه گیری دیجیتال» نامید.

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
✉ layout@khorasannews.com

موسیقی

ماجرای دسته چک استاد شجریان



استاد رضا ژاله که از سازندگان سرشناس ساز ایران است، به قول خودش شب های بسیاری در کارگاه خود با محمدرضا شجریان همنشین بوده است و هر کدام از این دو هنرمند، از سازهای ابداعی خود می گفتند. به گزارش ایسنا، استاد ژاله آشنایی خود و شجریان را این گونه روایت کرده است: «زمانی که آقای درخشانی و استاد شجریان کنسرت برگزار می کردند، آقای درخشانی سازی را به من سفارش دادند که موقع تحویل به ایشان گفتم با خیال راحت از این ساز استفاده کنید چون دیگر وسط اجرای استاد، نیازی به کوک ندارد. مجید درخشانی رفت. در یکی از اجراها استاد شجریان متوجه شد که درخشانی در میانه اجرا دست به ساز برای آک کوک نمی برد. پرسیده بود ساز را چه کسی ساخته است؟ آقای درخشانی هم گفته بود رضا ژاله. استاد شجریان هم گفته بود: «پس به دیدارش برویم». یک شب استاد شجریان دسته چکش را در آورد و رو به من گفت: «این همه زحمت کشیدی چقدر برای شما بنویسم؟» گفتم: «استاد جان من چقدر برای شما بنویسم؟» گفت: «شما چرا برای من بنویسی؟» گفتم: «چه شب هایی که من تا صبح در این کارگاه در حال ساخت ساز بودم چکش می زدم و با شنیدن صدای شما بدون این که خسته شوم کارم را ادامه می دادم». ای کاش می گفتم «استاد بنویسید یک ریال» و آن برگ چکر را به رسم یادگار نگه می داشتم.